

بیه و امید

● زهرا کشاورز قاسمی
دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا



- گزارش‌هایی از انقلاب مشروطیت ایران^۱
- نوشته محمد امین رسول‌زاده
- ترجمه: رحیم رئیس‌نیا
- نشر پژوهش شیرازه؛ سال چاپ ۱۳۸۷، تعداد صفحات ۳۶۰

در زمینه پیوند تنگاتنگ نهضت‌های اجتماعی ایران و قفقاز در سال‌های نخست قرن حاضر بسیار سخن گفته‌اند، ولی در انبوه این گفته‌ها و نوشته‌ها کمتر نمونه‌ای را می‌توان یافت که چون گزارش‌های محمد امین رسول‌زاده از انقلاب مشروطیت ایران این رشته یگانگی را چنین صریح و روشن بیان کرده باشد. رسول‌زاده در این مرحله از زندگانی سیاسی خود، یعنی حدود ده سال پیش از شکل‌گیری تحولاتی که با مشارکت و همراهی او به تأسیس جمهوری آذربایجان در سال‌های بعد از جنگ جهانی اول منجر شد، فعالیت قلمی گسترده‌ای در جراید باکو داشت. مجموعه‌ای گزارش‌های وی از خیزش مشروطه که در این مجموعه از ترکی ترجمه و ارائه شده، یادگاری است از این دوره. این گزارش‌ها در بخش اول بر اساس خبرهایی استوار است که از تهران می‌رسید اخبار و مقالات و در بخش دیگر مکتوبات ایران که با حضور خود رسول‌زاده در صحنه تحولات ایران و بر اساس ملاحظات و برداشت‌های مستقیم او همراه است.

در این گزارش‌ها رسول‌زاده از بدو کار، پا به پای انقلاب مشروطه پیش می‌آید و در این همراهی بیش از آن که صرفاً در بند گزارش تحولات و رخدادها باشد، به تطابق و سنجش دائم آن با دیگر تجارب انقلابی عصر خود، انقلاب ۱۹۰۵ روسیه و انقلاب ترک‌های جوان عثمانی می‌پردازد. به عبارت دیگر در عین فراگیری از انقلاب مشروطه درس انقلاب هم می‌دهد و از آن‌جا که جراید باکو در میان طیف وسیعی از انقلابیون خواننده داشت، تأثیر این نوع برداشت‌ها و تأملات را نباید دست کم گرفت. البته لحن محمد امین رسول‌زاده و رویکرد وی نسبت به تحولات مشروطه در تمامی این گزارش‌ها یکسان نیست. وجه شورانگیز و سرشار از امید او در مراحل نخست انقلاب، در برخورد با دشواری‌های بعدی، و به‌ویژه پس از استقرار نیروهای سرکوبگر روسیه در مناطق شمالی ایران، دگرگون شده، نوشته‌هایش برای مدتی بیشتر به شکل نوعی ملاحظات جامعه‌شناختی در می‌آید تا آن‌که با فتح تهران به دست مشروطه‌خواهان، از نو جنبه‌ای سیاسی می‌یابد.

این گزارش‌ها که پیش در آمدی بود بر نقش مهم و درخور توجه رسول‌زاده در تحولات بعدی ایران در مقام بنیان‌گذار روزنامه ایران نو و نظریه‌پرداز عمده سوسیال دموکراسی ایران در سال‌های مقارن با دوره دوم مجلس شورای ملی، از توانایی ذهنی هوشمند حکایت دارد که در یک مقطع مهم تاریخی سرنوشت دیار خود را از سرنوشت ایران، این پیکره اصلی، جدا ندید و در شکل دادن

مساوات که در ساتل ۱۹۱۱ به دست‌اندر کاری تنی چند از همتی‌های ملی‌گرا تشکیل یافته بود به فعالیت پرداخت و در روزنامه‌هایی چون اقبال، آچیق سؤز، یئنی اقبال، آذربایجان و... که به آن حزب ملی‌گرا وابسته بودند، نویسندگی و سردبیری کرد و رساله‌هایی در زمینه مسائل ملی به چاپ رساند و شعار «ترک لشمک، اسلام لاشماق و معاصر لشمک» «ترک شدن، مسلمان شدن، و معاصر شدن» را پیش کشید. پس از درگیری انقلاب فوریه ۱۹۱۷، در کنگره‌های مسلمانان قفقاز و روسیه و در نهادهای منطقه‌ای و ملی قفقاز چون سیم ماورای قفقاز شرکت فعال داشت و به دنبال انحلال سیم در اواخر مه ۱۹۱۸ به صدارت شورای ملی آذربایجان رسید. همین شورای ملی در ۲۸ مه ۱۹۱۸ موجودیت جمهوری دموکراتیک آذربایجان را اعلام کرد. صدر شورا، یعنی رسول‌زاده ۳۴ ساله، رئیس جمهور نخستین جمهوری اعلان شده در جهان اسلام به شمار می‌رفت. بعد از سرنگونی جمهوری ملی آذربایجان در آوریل ۱۹۲۰ به دست ارتش سرخ، رسول‌زاده مخفی و بالاخره دستگیر شد و در نتیجه پادرمیانی استالین از مرگ و زندان نجات یافت و در نوامبر ۱۹۲۰ همراه او به مسکو رفت و پس از آن که نزدیک به دو سال در مسکو به تدریس فارسی و کارهای تحقیقاتی چون نوشتن مقاله‌های درباره جنبش مزدک اشتغال داشت از شوروی فرار کرد، بعد از مدتی در اواخر ۱۹۲۲ در ترکیه اقامت گزید و بعضی از کتاب‌های خود چون آذربایجان جمهوری (جمهوری آذربایجان)، عصر یمیزین سیاوشی (سیاوش عصرمان) ملیت و بلشویزم (به زبان فارسی) و... را در آن‌جا به چاپ رساند و نشریات بنی قافقاسیا (قفقاز جدید)، آذری ترک و اودلوپورد (نباخاک آتشین) را انتشار داد. سرانجام دولت ترکیه، که در پی حفظ و جلب دوستی شوروی بود، او را در سال ۱۹۳۱ از آن کشور اخراج کرد. (ص ۱۱)

رسول‌زاده تا سال ۱۹۴۷ که به ترکیه برگشت در شهرهایی چون ورشو، برلین، بخارست، فرایبرگ آلمان و... مقیم شد و نشریات مساواتی چون استقلال و قورتولوش (رهایی) را در آلمان تحت حاکمیت نازی‌ها انتشار داد و با مجلات ضد شوروی پرومته و قفقاز که در فرانسه انتشار می‌یافتند، همکاری نمود و کتابچه‌هایی به زبان آلمانی و لهستانی و فرانسه درباره‌ی جمهوری آذربایجان و حزب مساوات منتشر کرد. وی تا ۶ مارس ۱۹۵۵ که درگذشت در آنکارا به سر برد و در این دوره آثاری پدید آورد که بعضی از آن‌ها در سال‌های اخیر در باکو تجدید چاپ شده است. او در تمام دوران تبعید خود رهبری حزب مساوات را به عهده داشت. پس از فروپاشی شوروی، شعار «بیر کره یوکسلن بایراق، بیرداها ائتمز» (پرچمی که یک‌بار بالا رفت، دیگر فرود نمی‌آید) که رسول‌زاده در دسامبر ۱۹۱۸ در مجلس جمهوری آذربایجان بر زبان آورده بود، بر سر زبان‌ها افتاد و وی به مطرح‌ترین شخصیت تاریخ آن سرزمین، به‌ویژه در دوره حاکمیت جبهه خلق تبدیل شد و عکسش در اغلب ادارات دولتی جای عکس لنین را گرفت و چهره‌اش بر اسکناس‌ها نقش بست و دانشگاه دولتی باکو، که وی سهمی مهم در بنیان‌گذاری آن داشت، به نامش نامور شد. (همان)

به هر حال رسول‌زاده از همکاران فعال روزنامه ترقی بود و بیش از صد نوشته او در این روزنامه به چاپ رسیده که بیش از نصف آن‌ها مربوط به ایران و جنبش مشروطه است.

آن‌چه در این کتاب گرد آمده، مجموعه‌ای است از حدود هفتاد و پنج مقاله و گزارش کوتاه و بلند رسول‌زاده درباره ایران، این نوشته‌ها از جلد اول آثار

به بخش‌هایی از آن سهمیم شد. لذا به رغم این همراهی و همدلی، گهگاه در نوشته‌های او نشانی از تردید و دودلی نیز ملاحظه می‌شود؛ گاه از انقلاب روسیه به‌عنوان انقلاب مایاد می‌کند و گاه نیز دل‌بستگی‌هایی به انقلاب ترک‌های جوان عثمانی نشان می‌دهد. کما این‌که در خلال رخدادهای بعدی و به‌ویژه با افول تدریجی انقلاب مشروطه، متأسفانه ایران رسول‌زاده را از دست داد و پس از مدتی زندگانی سیاسی او نیز روالی دیگر به خود گرفت. با این حال سرگذشت رسول‌زاده و اصولاً سرگذشت قفقاز چه در دوره پیوند تنگاتنگ سال‌های انقلاب مشروطه و چه در ادوار بعدی و روال دیگر آن، بخش مهم و اساسی از سرگذشت و سرنوشت تاریخی این سرزمین است و روشن شدن آن نیز در گرو تلاش‌هایی از این دست و امید به تداوم آن‌ها در سطحی وسیع و گسترده می‌باشد. محمد امین رسول‌زاده از شخصیت‌هایی است که زندگی‌اش با تاریخ معاصر ایران گره خورده و موقعیت تاریخی او در تحولات مربوط به دهه‌های نخستین سده بیستم این مرز و بوم از جایگاه خاصی برخوردار است. لذا ناگزیر از شرح حال وی هستیم. محمد امین رسول‌زاده در سال ۱۸۸۴ در روستای نوخانی باکو به دنیا آمد. پیش پدرش، آخوند حاجی ملا علی‌اکبر، در مدرسه روس - مسلمان و هنرستان حرفه‌ای باکو تحصیل کرد. واپسین سال‌های تحصیلی او در هنرستان مقارن بود با جوش و خروش‌های انقلابی در روسیه و به‌ویژه شهر کارگری باکو. همت نخستین سازمان سوسیال دموکراتیک محلی در باکو بود که رسول‌زاده، هم در زمره بنیان‌گذاران آن به‌شمار رفته است. او ضمن فعالیت تشکیلاتی، که در جریانش با انقلابیونی چون کوبا آشنا شد، در انتشار نشریات همتی چون تکامل و یولدش فعال بود و با روزنامه‌هایی چون ارشاد و ترقی نیز همکاری داشت و در همین دوره مقالات زیادی در پیرامون رویدادهای انقلاب مشروطیت ایران انتشار داد. رسول‌زاده در اوایل سال ۱۳۲۷ ق به ایران آمد و از رشت و جلفا و تبریز و ارومیه و تهران گزارش‌های جالبی برای درج در روزنامه ترقی تهیه کرد. کتاب حاضر مجموعه‌ای از ترجمه همان مقالات و گزارش‌ها است. او اندکی پس از رسیدن به تهران تازه فتح شده، در تشکیل و سازمان‌دهی حزب دموکرات ایران و تهیه نظام‌نامه و مرام‌نامه و تعیین خط‌مشی حزبی با سید حسن تقی‌زاده و حیدر خان عمو اوغلو و... همکاری داشته است. سردبیری ارگان آن، ایران نو، را که یکی از نقاط عطف تاریخ روزنامه‌نگاری در ایران به‌شمار آمده، به عهده گرفت و تا واسط ۱۳۲۹ ق که تحت فشار روسیه تزاری مجبور به ترک ایران شد، گذشته از فعالیت در حزب و روزنامه و درج مقالاتی در آن، رسالتی چون تنقید فرقه اعتدالیون و رسائل دیگری را نیز به زبان فارسی انتشار داد و در مدتی کم‌تر از دو سال تأثیری چشم‌گیر از جهت نشر و ترویج اندیشه‌های اجتماعی ترقی‌خواهانه و ارتقاء سطح مبارزات و مباحثات حزبی و سیاسی در جامعه ایران بر جای گذاشت. رسول‌زاده پس از عزیمت از ایران از طریق باکو به استانبول رفته، در آن‌جا با تقی‌زاده هم منزل شد و طی اقامت دوساله خود در آن شهر، به محافل تازه پا گرفته ترکیستی، چون ترک اوچاق لاری (کانون‌های ترک) که قفقازی‌هایی چون احمد آقا اوغلو و علی بیگ حسین‌زاده از آرمان پردازان و رهبران آن‌ها بودند، گرایش و راهیافت و سلسله مقالات ایران ترک لری (ترکان ایران) را در مجله ترک یوردو به چاپ رساند. (ص ۱۰)

در سال ۱۹۱۳ به دنبال اعلام عفو عمومی به مناسبت سیصدمین سال بنیان‌گذاری سلطنت رومانوف‌ها به باکو بازگشت و در حزب مسلمان دموکراتیک



رضاشاه در جمع افسران قزاق

در ورقه فارسی مان باید هر شخص بدبینی را از شک و شبهه فارغ بکنند. این دست‌خط را برای خوانندگانی که فارسی نمی‌دانند ترجمه کرده، سپس مقاله‌مان را به پایان می‌رسانیم. (ص ۳۳)

دست‌خط همایون

صادر شده در خصوص ترتیب مجلس عدالت‌خانه

جناب اشرف اتابک اعظم چنانچه مکرر این نیت خود را اظهار فرموده‌ایم، ترتیب و تأسیس عدالت‌خانه دولتی برای اجرای احکام شرع مطاع و آسایش رعیت از هر مقصود مهمی و اجب‌تر است و این است بالصراحه مقرر می‌فرماییم، برای اجرای این نیت مقدس قانون معدلت اسلامیه، که عبارت از تعیین حدود و اجرای احکام شریعت مطهره است، باید در تمام ممالک محروسه ایران عاجلاً دایر شود، بر وجهی که میان هیچ‌یک از طبقات رعیت مطلقاً فرقی گذاشته نشود و در اجرای عدل و سیاسات به‌طوری که در نظام‌نامه این قانون اشاره خواهیم کرد، ملاحظه اشخاص و طرفداری‌های بی وجه قطعاً و جداً ممنوع باشد. البته به همین ترتیب کتابچه نوشته، مطابق قوانین شرع مطاع فصول آن را مرتب و به عرض برسانید، تا در تمام ولایات دایر و ترتیبات مجلس آن هم بر وجه صحیح داده شود و البته این قبیل مستدعیات علمای اعلام که باعث مزید دعاگویی ما است، همه وقت مقبول خواهد بود همین دست‌خط ما را هم به عموم ولایات ابلاغ کنید.

شهر ذی‌القعدة ۱۳۲۳

مشاهده می‌شود که آسیا دوران قدیم خود را به یاد آورده، دیگر باره به زندگی، تمدن، ترقی و رونق روی آورده است. حالت دیروزی ژاپن، اقدام امروزی ایران، تمایل ممالک چین، افغانستان و هندوستان به ترقی، ترقی محسوس در همه ممالک، حریت‌خواهی و احساسات عمومی سعادت‌جویانه و اقدامات فداکاران و... اگر همه شاهد ادعایمان نباشند، پس چیست؟ اکنون نظری بیندازیم به عدالت‌خانه مذکور داده شده در ایران که نشانه حریت و ثمره اتحاد و اتفاق است و نظر خود

محمد امین رسول‌زاده، تألیف پروفیسور شیر محمد حسینوف برگزیده شده است. حسینوف این اثر ۴۷۰ صفحه‌ای را با مراجعه به روزنامه‌های شرق روس، همت، دعوت، قوچ، ارشاد، تکامل، یوآدش، ترقی و مجلات فیوضات و ولنا، که در فاصله سال‌های ۱۹۰۳-۹ منتشر شده‌اند، و استخراج نزدیک به ۲۸۰ نوشته رسول‌زاده از آن‌ها و برگردان رسم‌الخط عربی به سیریلی گردآورده است. اگرچه گردآورنده در کار خواندن متون نوشته‌ها دستیاران عربی‌دان و فارسی‌دان در اختیار داشته است، با وجود این به‌طوری در پای بعضی صفحات تذکر داده شده، گاهی در خواندن کلماتی مرتکب اشتباهاتی شده است که مترجم حتی‌الامکان به رفع آن‌ها کوشیده است. از میان نوشته‌های مربوط به ایران، بیست و یک مقاله و مطلب در دوره پیش از آمدن رسول‌زاده به ایران نگارش یافته و در روزنامه‌های ارشاد، تکامل و ترقی منتشر شده است. نخستین آن‌ها مقاله‌ای است تحت عنوان «حریت در ایران» که به مناسبت صدور دست‌خط تأسیس عدالت‌خانه توسط مظفرالدین شاه نوشته شده است و در شماره مورخ ۲۰ فوریه ۱۹۰۶، اول محرم ۱۳۲۴ روزنامه ارشاد به چاپ رسیده است. که عیناً نقل می‌شود:

ملت ایران موفق شد که حریت راه حریت گران‌بها و به درجه کیمیای افسانه‌ای ایرانیان پرربها راه حریتی را که همه کشورهای اروپایی برای دستیابی به آن زحمات کثیفه و خون‌ها نثار کرده‌اند و خانمان‌هایشان بر باد رفته است، با اقدامی جزئی و به سهولت بگیرد. همین ایران که صفحات تاریخ را با استعداد و تمدن خود روشن داشته، به علت وجود نفاق و شقاق پرستان، مفتخوران و مستبدان جاهلان عالم‌نما به درجه‌ای رسیده بود که هیچ‌کس نمی‌توانست اخبار تلگرافی مربوط به حریت ایران را که در این روزها بارقه امید در دل‌هایمان تابانده باور کند. خیلی‌ها می‌گفتند که این ملت دیگر مرده و امیدی به زنده شدنش نمی‌رود. اما اگر کمی تأمل شود و قابلیت و استعداد فطری ایرانی‌ها در نظر گرفته شود و تاریخ تمدنشان مورد توجه قرار گیرد، صورت دست‌خط همایون مندرج

مورخ ۳۱ مارس ترقی به چاپ رسیده است. از تاریخ انتشار واپسین گزارش از رشت ۳ مه می‌توان استنباط کرد که اقامت رسول‌زاده در گیلان در حدود سه ماه طول کشیده است. فریدوم آدمیت و نویسندگانی به پیروی از او نوشته‌اند که رسول‌زاده در ۱۳۲۶ از جانب حزب سوسیال دموکرات قفقاز به رشت آمد و در نهضت انقلابی گیلان مشارکت داشت. با مجاهدین روانه تهران شد.^۱ (آدمیت، ۱۳۵۵، ص ۹۷) لیکن رسول‌زاده در سال ۱۳۲۷ به گیلان آمد و پس از اقامتی یک ماهه در این سرزمین، مدتی پیش از حرکت مجاهدان از گیلان به سمت قزوین و تهران، به باکو برگشت. آنگاه اندکی پس از عبور سپاهیان روس از مرز جلفا و گذاشته شدن نقطه پایان سیاه به مقاومت مسلحانه مردمی تبریز به دست آن‌ها در اواخر آوریل ۱۹۰۹ خود را از همان مرز جلفا و مسیر گذر قشون روس، به تبریز تحت اشغال می‌رساند و در طی اقامتی دو سه هفته‌ای در این شهر، از احوال مردمی که یک سال آزرگار برای کسب آزادی و احیای حکومت قانون تا پای جان با تمامیت استبداد جنگیده و اینک گرفتار چنگال اشغال‌گران گستاخ و زورگو شده بودند، گزارش‌های گویایی تهیه می‌کند. یکی از جالب‌ترین این گزارش‌ها منعکس کننده مصاحبه او با گرد آزادی پناه گرفته در شهر بندری عثمانی است. بعد از آن هم وی را در اواسط ماه ژوئن در ارومیه می‌یابیم و در پرتو گزارش‌های کنجکاوانه‌اش در آن زیستگاه گروه‌های قومی گوناگون و جولانگاه میسیون‌های مذهبی رنگ وارنگ حضور می‌یابیم و شاهد نادیده‌ها و ناشنیده‌های بسیاری می‌شویم. (ص ۲۶) سرانجام هم راه رفته را برگشته، از طریق تبریز و رشت خودش را در اواخر ژوئیه به تهران دو هفته پیش فتح شده به دست مجاهدان از گیلان آمده و سواران بختیاری می‌رساند و از بطن رویدادهای سرنوشت‌ساز و تاریخی پس از برافتادن محمدعلی میرزای خودکامه و وابسته و به سر رسیدن دوره سیاه استبداد صغیر، که تاج‌گذاری سلطان احمد شاه و اعدام طرفداران استبداد و تشکیل نهادهای انقلابی و آغاز مقدمات انتخابات دوره دوم مجلس ... را به دنبال داشت، آگاهی‌های هیجان‌آلوده یک ناظر جستجوگر و هوشیار را به‌دست می‌دهد. آبراهامیان نوشته است که مشکل او در تکلم فارسی متداول مانع از نامزد شدنش به نمایندگی دوره دوم مجلس شورای اسلامی بوده است.^۲ (آبراهامیان، ۱۳۸۲، ص ۱۰۴) در همین زمان با انتشار روزنامه ایران نو، ارگان حزبی دموکرات ایران، در تاریخ ۲۴ اوت ۱۹۰۹ پنج روز از چاپ آخرین گزارش او در شماره مورخ ۲۹ اوت ترقی مرحله جدیدی در روند زندگی سیاسی او و نیز تاریخ مطبوعات ایران آغاز می‌شود. آخرین گزارش رسول‌زاده از تهران به ترقی با این سطور آغاز شده است:

«روزنامه‌ای به نام ایران نو، در طی هفته آینده به انتشار خواهد آغازید. این روزنامه از نظر قطع و شکل و برنامه و محتوا نخستین روزنامه‌ای خواهد بود. که به شیوه اروپایی در ایران منتشر خواهد شد. خبرنگاران محمد امین رسول‌زاده در انتشار این روزنامه شرکت مستقیم خواهد داشت.» (ص ۳۰۳)

پی‌نوشت

۱. محمد امین رسول‌زاده، گزارش‌هایی از انقلاب مشروطیت ایران، ترجمه رحیم رئیس نیا، تهران، چاپ نشر و پژوهش شیراز، ۱۳۸۷.
۲. فریدون آدمیت، فکرمحمدی، تهران، انتشارات پیام، ۱۳۵۵.
۳. بیرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۱.

را نیز درباره آن بیان داریم: مجلس مبعوثان اگر بتوان چنین نامیدش که در ایران داده شده آیا سرنوشتی چون سرنوشت آزادی روسیه خواهد داشت؟ در پاسخ این سوال می‌گوییم که خیر! گمان می‌رود که اساسی‌تر و صادقانه‌تر از آن باشد. زیرا دولت ایران ضمن اعتراف به این واقعیت که قادر به حفظ وضع موجود نیست، تأسیس و تشکیل دوباره خود را بر اساس حریت لازم دانسته و آمادگی آن را داشته است که محض مشاهده جنبشی جزئی از طرف جماعت، ضمن اصلاح خود، از آرزوها و مطالبات جماعت نیز با کمال خشنودی استقبال کند. به دیدن این جنبش آسیا عموماً و این حرکات ایرانیان خصوصاً نسبت به کسب موفقیت اجتماعات در این نزدیکی در آسیا اطمینان یافته، از اعماق قلب خود برادران ایرانی‌مان را به مناسبت این توفیق عظاما و عید کبریا تبریک گفته می‌گوییم: ای برادران که به فرو رفتن در خواب غفلت شهرت یافته بودید، جای خوشبختی است که سرانجام بیدار شدید! صبحتان بخیر باشد! اما به هوش باشید که این حرکت هنوز کافی نیست باید به پا خیزید و به راه بیفتید! جمله کاروان‌ها به سر منزل مقصود نزدیک شده‌اند. اما شما اکنون در آغاز راه هستید و باید که به جای یک، دو و بلکه ده قدم بردارید تا به آن‌هایی که از پیش رفته‌اند رسیده، ملت و دولت را از مذلت و ضلالت رهانیده، به سر منزل مقصود برسانید! ای برادران ایرانی ما، هر کس در موفقیت شما تردید می‌کند، بکند. من به نوبه خود تردید نمی‌کنم. تاریخ اسلاف شما این را نشان داده و علانیه می‌گوید که همان‌گونه که به هنگام گرفتار ظلم ضحاک‌ها شدن کاوه‌ها پرورنده و به گاه گرفتار تالان و تاراج افغان‌ها شدن نادرها به عرصه ظهور رسیده‌اید، این بار هم اگر آلوده بالای استبداد هستی‌دست اتحاد ملیه و احساسات عامیه به سلامت باشد! (ص ۳۳)

زنده باد حریت در ایران!

زنده باد قانون اساسی در ایران!

ارشاد، شماره ۵۱، ۲۰ فوریه، ۱ محرم ۱۳۲۴.

آخرین مقاله هم در شماره مورخ ۱۵ ژانویه ۱۹۰۹ / ۶ محرم ۱۳۲۷ روزنامه ترقی، ده روز پیش از تصرف رشت به دست ملیون، منتشر شده است. از این نوشته‌ها چنین برمی‌آید که رسول‌زاده از همان روزهای نخست درگیری جنبش مشروطه‌خواهی در ایران، رویدادهایی را که منجر به صدور فرمان مشروطه و تأسیس مجلس و کودتای محمدعلی میرزا و استبداد صغیر و مقاومت قهرمانانه تبریز و ... شد، از طریق مطبوعات و مسافران و محافل روشنفکری و سیاسی ایرانی و به‌ویژه سازمان‌های انقلابی همت و مجاهد، که با انقلابیون و رهبری مقاومت مسلحانه تبریز و خصوصاً مرکز غیبی پیوند تنگاتنگ داشته‌اند، با علاقه‌مندی تعقیب و تحلیل می‌کرده است. پس از آن، رسول‌زاده برای تحقیق شایعات موجود درباره نیات و اعمال سپهدار اعظم تنکابنی و حل و فصل اختلافات پدید آمده در بین مجاهدان غالباً قفقازی - مسلمان، ارمنی و گرجی - فاتح رشت، که توسط سازمان‌های انقلابی قفقاز هدایت می‌شدند و تهیه گزارش‌های مطبوعاتی، در حدود نیمه دوم فوریه ۱۹۰۹ اواخر محرم ۱۳۲۷ به گیلان می‌آید و از آن به بعد در طی حدود شش ماه، بیش از پنجاه گزارش جاندار از رشت، جلفا، تبریز، ارومیه، تبریز، رشت و تهران و فواصل بین راه تهیه کرده، تحت عنوان مکتوبات ایران به تدریج در روزنامه ترقی منتشر می‌سازد. نخستین گزارش از ده گزارش ارسالی از رشت، گزارشی است از جشن عیدیه که در ۳ فروردین ۱۳۸۸ در دارالحکومه رشت و با حضور سپهدار برگزار شده بود. این گزارش در شماره